



نقش برنامه آموزش انفرادی (IEP) در مشاوره، آموزش و توانبخشی کودکان معلول

مرضیه آهنی^۱، معصومه جر تنها^۲
^۱ کارشناسی، آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی
اداره آموزش و پرورش شهرستان زاهدان،
marziyehani@yahoo.com
۰۹۱۵۱۹۹۰۴۷۶

^۲ کارشناسی، ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی
اداره آموزش و پرورش شهرستان زاهدان،
masomehgor@yahoo.com
۰۹۱۵۶۰۵۲۸۸۹

چکیده :

IEP یا برنامه آموزش انفرادی برنامه ای است که برای آموزش و توانبخشی کودکان معلول که در قانون عمومی ۱۴۲-۹۴ آمریکا مشخص شده است. این برنامه باید جزئیات سطح فعلی عملکرد آموزشی کودک مورد نظر، اهداف کوتاه و دراز مدت در نظر گرفته شده و هرگونه خدمات ویژه مورد نیاز و زمان مقرر آن را دربرداشته باشد. این برنامه توسط افراد حرفه ای و والدین کودک تهیه و تنظیم می گردد. برنامه آموزش انفرادی که به صورت یک قانون در اکثر کشورها درآمده است. از راه فرایند مشاوره و همکاری میان معلم، مربی آموزش ویژه، والدین و اولیاء مدرسه با داده هایی از کارشناسان مربوطه (روان شناس، آسیب شناس گفتاری، متخصص فیزیوتراپی و ...) تنظیم می شود. IEP با در نظر گرفتن قدرت و ضعف کودک، اهداف دراز مدت و کوتاه مدت را به دقت تهیه می کند، فواصل زمانی را برای دستیابی به این اهداف و نظارت منظم بر پیشرفت وضع می نماید و مسئولین اجرا و نظارت بر برنامه را شناسایی می کند. بررسی توانایی ها و محدودیت های دانش آموز با نیازهای ویژه، یکی از مهمترین اصول برنامه آموزش انفرادی است. بنابراین هر دانش آموز استثنایی که در مدرسه عادی درس می خواند و از آموزش ویژه و خدمات حمایتی استفاده می کند باید یک برنامه آموزش انفرادی داشته باشد. برنامه آموزش انفرادی بخشی از آموزش ویژه و بخشی از آموزش فراگیر است و برنامه آموزش انفرادی فقط برای یک دانش آموز خاص طراحی می شود و این برنامه، آرایه خدمات و حمایت های آموزش ویژه به دانش آموز با ناتوانی را هدایت می کند.

کلمات کلیدی: برنامه - آموزش - انفرادی-IEP



۱- مقدمه :

گرایش اساسی در آموزش و پرورش کودکان استثنایی، برخورداری دانش آموزان معلول از فرصت ها و مواهب متناسب با توانایی هایشان می باشد و منجر به این اندیشه گردیده است که آموزش به دانش آموزان دارای معلولیت در کنار کودکان طبیعی همسالشان به گونه ای باشد که جریان برنامه ریزی آموزشی آن ها به شکل پیوسته و با توجه به نیازهای آموزشی و اجتماعی هر کودک شکل گیرد و آن ها را به بالاترین سطح توانایی برساند. یکی از راه کارهای آموزشی و اجتماعی "برنامه آموزش فردی شده" می باشد.

در قانون ۹۴-۱۴۲ (قانون عمومی آموزش برای کودکان معلول) که منتج به آغاز IEP در آمریکا گردید، این امکان مورد توجه قرار گرفته که دانش آموزان دارای نیازهای ویژه «در محیطی با کمترین محدودیت» که امکان یکپارچه سازی کودکان معلول را افزایش دهد، یکپارچه شوند. نتیجه این برنامه همراهی کودکانی که در کلاس ویژه بودند با گروه کودکان دیگر می باشد. به طور کلی قانون فوق سه اصل کلی را شامل می شود که عبارتند از: حفظ سلامتی، محیط با کمترین محدودیت و طرح آموزش فردی شده (۱۹۷۸).

تعریف (IEP):

طراحی گسترده آموزشی، تحصیلی و مدیریتی بر اساس تفاوت ها در سر کلاس درس برای دانش آموزان به منظور رفع نقاط ضعف موجود در زمینه های تحصیلی که می توان اطلاعات مورد نظر را برای دستیابی به اهداف آموزشی کسب نمود.

دیدگاه اساسی (IEP):

۱- امکان ارایه خدمات آموزشی - تحصیلی در محیط با حداقل محدودیت در کنار سایر همسالان.

۲- دستیابی به عدالت آموزشی خاصه دانش آموزان استثنایی که از خدمات ویژه بهره مند باشند (آن چه را به من بیاموزید که توانایی یادگیری آن را دارم). رسیدن فرد به بالاترین سطح توانایی.

۳- مشارکت مستقیم والدین در تصمیم گیری های تحصیلی - آموزشی فرزندشان. (امضاء توافق نامه آموزشی والدین - دست اندرکاران آموزشی)

۴- منعطف نمودن سیستم نمره گذاری به عنوان تنها ابزار ارزیابی پیشرفت دانش آموز.

۵- عدم مقایسه دانش آموزان و فراهم آوردن فرصت ها بر اساس توانمندی.



اهداف: (IEP)

- ۱- IEP یک برنامه مدیریتی است که برای کمک به برنامه ریزی و رساندن خدمات مناسب در نظر گرفته شده است. باید در گستره‌ی نیازهای دانش آموز و نحوه‌ای که این نیازها تأمین خواهند شد ارایه شود. همچنین راهنمایی برای پیگیری برنامه آموزشی است. اما این مسأله بدان معنا نیست که در برگیرنده شرح مفصلی از برنامه آموزش روزانه کودک باشد.
- ۲- اطمینان یافتن از خدمات مناسب برای دانش آموز که با مشارکت افراد خاص در فرایند، برای مثال معلمان، والدین، کارکنان حمایتی و مجریان انجام می شود.
- ۳- IEP نیازمند التزام رسمی منابع است و باید مشخص کند که چه نوع خدماتی باید مهیا شود؟ چه میزان خدماتی تهیه خواهد شد و چه کسی این خدمات را آماده خواهد کرد؟
- ۴- IEP سند ارزیابی است. آن ابزاری است که نحوه‌ی ارایه (تحويل) خدمات را می تواند تحت نظارت قرار دهد و بر همین اساس پیشرفت کودک قابل ارزیابی است.
- ۵- IEP یک روش ارتباطی است و یک نقطه مهم برای ارتباط مدرسه و والدین درباره آموزش و پرورش کودک است. همچنین نشان تمرکزی برای حل تفاوت های بین اولیاء مدرسه و والدین کودک است.

مراحل: (IEP)

۱- شناسایی کودک به عنوان کسی که احتمالاً به آموزش ویژه و خدمات مرتبط نیاز دارد:

برای حصول از اطمینان از ناتوانی کودک، یکی از افراد متخصص مدرسه می تواند درخواست ارزشیابی نماید. البته ارزشیابی کودک منوط به رضایت والدین می باشد.

۲- ارزشیابی کودک:

ارزشیابی باید در تمامی مواردی که احتمال می رود کودک در آن ها ناتوانی دارد، به عمل آید. از نتایج ارزشیابی برای تعیین قابلیت ها و توانمندی های کودک برای استفاده از آموزش ویژه و خدمات مرتبط و تصمیم گیری در مورد برنامه آموزشی مناسب استفاده خواهد شد.

۳- تصمیم گیری در مورد صلاحیت کودک برای استفاده از آموزش ویژه و خدمات مرتبط:

گروهی از متخصصان واجد صلاحیت و والدین با هم نتایج ارزشیابی را بررسی می کنند تا تعیین کنند آیا کودک طبق IDEA (قانون آموزش و پرورش کودکان با ناتوانی) دارای ناتوانی است یا خیر.



۴- تشخیص کودک به عنوان کسی که صلاحیت استفاده از خدمات را دارد:

اگر کودک مطابق با تعریف IDEA دارای ناتوانی تشخیص داده شود، صلاحیت استفاده از آموزش ویژه و خدمات مرتبط را دارد. در این صورت گروه IEP باید حداکثر سی روز پس از انجام تشخیص، تشکیل جلسه دهد تا برای کودک یک IEP بنویسد.

۵- تعیین زمان تشکیل جلسه گروه: IEP

مدرسه زمان تشکیل جلسه گروه IEP را مشخص می کند. تا زمان تشکیل جلسه کارکنان مدرسه باید با شرکت کنندگان در جلسه از جمله والدین تماس می گیرند تا آن ها جهت حضور در جلسات برنامه ریزی نمایند و از اهداف جلسات و شرکت کنندگان دیگر جلسه نیز اطلاع داشته باشند.

۶- تشکیل جلسه گروه و نوشتن: IEP

عضو گروه IEP تشکیل جلسه می دهند تا در مورد نیازهای کودک و نوشتن IEP گفت و گو کنند. والدین و کودک (اگر حضور کودک ضرورت داشته باشد) باید از اعضای گروه باشند و در مورد دریافت خدمات ویژه و خدمات مرتبط با هم به توافق برسند.

۷- ارایه خدمات به دانش آموز:

والدین و معلمان کودک و کلیه کسانی که مسئولیت ارایه خدمات را به عهده دارند، یک نسخه از IEP کودک دریافت می کنند و از مسئولیت خاص خودشان در زمان اجرای IEP آگاه می شوند. این مسئولیت ها شامل انطباق، تعدیل ها و خدماتی است که باید بر اساس آن چه که در IEP نوشته شده است به کودک ارایه شود.

۸- اندازه گیری پیشرفت دانش آموز و گزارش آن ها به والدین:

پیشرفت های دانش آموز در راستای دست یافتن به هدف های سالیانه که در IEP نوشته شده است اندازه گیری می شود و به صورت گزارش منظم به والدین داده می شود.

۹- بازنگری: IEP

IEP دانش آموز باید حداقل سالی یک بار (هرگاه که لازم بود) توسط گروه IEP بازنویسی و بازنگری گردد. والدین به عنوان عضو گروه می توانند پیشنهاد های خود را برای اعمال تغییر در IEP و جایگزینی فرزندشان در مراکز تخصصی مرتبط و ویژه اعلام نمایند. در بازنگری می توان از آزمون های اضافی، راهبردهای درمانی متفاوت و... استفاده کرد.



۱۰- بازنگری: IEP

حداقل هر سه سال یک بار دانش آموز باید مورد ارزشیابی مجدد قرار گیرد. یکی از دلایل ارزشیابی مجدد این است که مشخص شود کودک با توجه به تعریف IDEA ناتوان محسوب می شود یا نه. هدف دیگر بررسی نیازهای آموزشی دانش آموزان می باشد. به طور کلی IEP سند مهمی هم برای دانش آموز با ناتوانی و هم برای تمامی کسانی است که در امر آموزش او مشارکت دارند IEP. دانش آموز، علاوه بر موارد دیگر باید در برگیرنده شرح برنامه آموزشی باشد که برای برآوردن نیازهای منحصر به فرد طراحی شده است.

مواد لازم برای IEP :

- ۱- مدرسه به عنوان مکانی که IEP در آن جا نوشته می شود.
- ۲- گروه IEP نویس شامل (معلم کلاس، والدین، مشاور، معلم ویژه و پرسنل توان بخشی مدرسه).
- ۳- آیتم های سطوح عملکرد فعلی که به وسیله ارزیابی های مختلف مشاهده ای، آزمون های کلاسی، آزمون های رسمی استاندارد و گزارش والدین تعیین می شود.
- معلمان عادی باید مکتوب مشاهدات خودشان را اعلام کنند.
- ۴- لیستی از خدمات و تجهیزات موجود و قابل ارایه. (وسایل توان بخشی کمک آموزشی، مشاوره ای، گفتار درمانی، کاردرمانی، مددکاری، استفاده از رایانه و..)
- ۵- ایده های والدین در مورد ارتقای آموزشی فرزندشان.
- ۶- لیستی از نظرات کودک در خصوص گرایش های فردی اش در آموزش.
- ۷- لیستی از اهداف دراز مدت و کوتاه مدت آموزشی - درمانی که براساس نتایج سطوح عملکرد فعلی دانش آموز مشخص می شود.
- ۸- مجموعه ای از روش های مؤثر آموزشی - درمانی که متناسب با سطوح عملکرد فعلی و اهداف تعیین شده کوتاه مدت و دراز مدت انتخاب می شوند.

محتوای IEP :

IEP شامل اطلاعات دقیقی در مورد دانش آموز و برنامه آموزشی است که برای برآورده شدن نیازهای فردی او طراحی شده است که شامل موارد زیر است:

- ۱- سطح عملکرد فعلی دانش آموز: تعیین سطح عملکرد کنونی در برنامه IEP، گام اصلی محسوب می شود که در زمینه های ذیل انجام می گیرد:



- آموزشی (خواندن، نوشتن و حساب)
 - ذهنی (هوش، ظرفیت یادگیری، مراحل یادگیری و شیوه یادگیری)
 - حسی (شنیداری و دیداری)
 - ارتباطی (رشد زبان و تولید گفتار)
 - هیجانی اجتماعی (ناسازگاری، تکانشگری، نقص توجه، رفتار پرخاشگرانه، رشد اجتماعی و ارتباط با دیگران)
 - رفتار سازشی (تاریخچه رشدی و بهداشت فردی)
 - حرکتی (مهارت های حرکتی درشت، مهارت های حرکتی ظریف، هماهنگی روانی/حرکتی، حرکت و کنترل ماهیچه ای)
 - پیش مهارتی (سطح تکالیف ورودی، نگرش به تکالیف، مهارت های کسب و حفظ شغل)
 - مهارتی (اطلاعاتی در زمینه مواد برنامه های تکنولوژی آموزشی "مشاغل")
 - سایر موارد (ملاحظات پزشکی)
- تعیین سطح عملکرد به طروق زیر انجام می شود:**
- مشاوره با پرسنل مدرسه، والدین و یا نمایندگان و مؤسسات تخصصی
 - مصاحبه با دانش آموز و مشاهده وی
 - نمرات وی در مهارت های مورد نظر (خواندن، نوشتن، حرکت و...)
 - نمرات آزمون های استاندارد و چک لیست ها
 - نمرات آزمون های دیداری و شنیداری
 - نمرات آزمون های هوشی، شناختی
 - نمرات آزمون های ارتباطی
 - نمرات آزمون های حسی، حسی/حرکتی



۲-مهارت های روانی – حرکتی:

-نحوه ی انجام دادن مهارت های درشت و ظریف، خام حرکتی، هیجانی، بیش فعالی، گوشه گیری و...

۳-مهارت های فردی اجتماعی:

-نوع روابط با دیگران، قدرت بیانی و زبانی، دوست یابی و...

۴-مهارت های خودیاری:

بتواند کارها، نظافت و بهداشت شخصی را انجام دهد و در بعضی مواقع آموزش ندیده اند و خیلی ضعیف هستند. مثل بستن بند کفش و یا نحوه غذا خوردن.

۵-اهداف سالیانه:

-اهداف سالیانه اهدافی هستند که از کودک دارای ناتوانی به طور منطقی انتظار می رود که در طی سال تحصیلی و در حیطه های مشخصی انجام می شود و باید به منظور اشاره به نقاط ضعف موجود در سطح کنونی کارکرد آموزشی دانش آموز نوشته شود و ارتباط مستقیمی بین اهداف سالیانه و سطح کنونی کارکرد آموزشی وجود داشته باشد.

بنابراین اهداف سالیانه در IEP عبارتند از:

- به صورت رفتارهای قابل مشاهده و قابل اندازه گیری بیان شوند.
- باید شامل مقوله های نارسایی های کودک که در سطح کنونی کارکرد آموزشی مشخص شده اند، باشد که عبارتند از:
- نحوه ی ارتباط، رفتار، محیط آموزشگاهی، فرایند اجتماعی شدن، خودیاری، مهارت های درکی- حرکتی، مهارت های حرکتی درشت، حرفه ای خدمات مرتبط و خدمات انتقالی. مثال: "دانش آموز بتواند حروف صامت ابتدای کلمه ها را تلفظ کند."

۶-اهداف کوتاه مدت:



اهداف کوتاه مدت شامل شماری از قدمهایی است که در یک توالی دانش آموز را به سوی اهداف غایی سالیانه نزدیک می کند. این اهداف به دقتی برنامه های درسی نیستند بلکه گام های واسطه ای است که بین سطح کارکرد کنونی دانش آموز و اهداف غایی سالانه مربوط عمل می کنند. این اهداف باید به صورت رفتاری و قابل اندازه گیری مطرح شوند و آن چه را که کودک باید انجام دهد را به شکلی دقیق بیان کند. بنابراین اهداف کوتاه مدت IEP عبارتند از:

- بر مبنای اهداف غایی سالانه و با توجه به سطح کارکرد آموزشی کنونی وضع می شوند.

- بر توالی مهارت ها مبتنی اند.

- به شکل رفتار قابل مشاهده و قابل اندازه گیری بیان می شوند.

مثال: الف) با ارائه فهرستی از کلمه هایی که حرف صامت ابتدای آن ها /ب/، /د/، /ف/، /ه/ است، دانش آموز با ۹۰٪ درستی آن ها را ادا کند.

۷- تعیین خدمات مورد نیاز آموزش ویژه (خدمات مرتبط)

دانش آموزانی که از آموزش ویژه استفاده می کنند ممکن است به هر کدام از خدمات زیر، که «خدمات مرتبط» نامیده می شوند، نیاز داشته باشند. بر اساس فهرست IDEA خدمات مرتبط عبارتند از:

خدمات شنوایی سنجی، خدمات بینایی سنجی، ارزیابی و تشخیص زود هنگام ناتوانی در کودک، خدمات پزشکی، کاردرمانی، خدمات تحرک و جهت یابی، خدمات آموزش و مشاوره والدین، فیزیوتراپی، خدمات روان شناختی، فعالیت های تفریحی (فعالیت های لذت بخش و اضطراب زا)، خدمات مشاوره ای توان بخشی، خدمات بهداشت مدرسه، خدمات آسیب شناسی گفتار و زبان، خدمات جابه جایی.

۸- تعیین تعداد جلسات مورد نیاز دانش آموز (فراگیر):

بستگی به سطوح عملکرد دانش آموز (خفیف، متوسط و گسترده) دارد. هر چقدر که خفیف باشد زمان کمتری و هر چقدر که گسترده باشد زمان بیشتر برای آموزش نیاز است. مثلاً برای خفیف یک جلسه یک ساعته در هفته.

۹- ارزشیابی از دانش آموز:

تکوینی و نهایی

۱۰- تعیین شروع و خاتمه برنامه برای هر دانش آموز:

۱۱- تجهیزات مورد نیاز:



حروف الفبای پلاستیکی، مداد رنگی، خمیر بازی، جعبه ابزار سینا، کارت الفبا، بازی دوز ضرب، پازل ضرب، دو مینو، جدول ضرب مدور،
بن بن و ...

۱۲- تاریخ نوشتن و تاریخ جلسه :

IEP تاریخ جلسه باید قبل از تاریخ نوشتن بنویسند.

۱۳- روش های آموزشی مناسب:

استفاده از روش مشارکتی، چند حسی فرنالد، روش تحلیل تکلیف، روش های تقویت ادراک دیداری، دقت و توجه و ...

۱۴- شرایط سلامتی:

می توان بیماری های خاص را نوشت.

نوشتن IEP :

زمانی که گروه IEP می خواهد برای تعیین نوع آموزش ویژه و خدمات مرتبطی که دانش آموز به آن نیاز دارد تصمیم گیری کند، شرحی از عملکرد فعلی دانش آموز تهیه می کند که بر اساس نتایج مشاهدات، آزمون های کلاسی و انفرادی به دست آمده است. دانستن چگونگی عملکرد فعلی دانش آموز در مدرسه به گروه کمک می کند تا هدف های سالیانه او را با در نظر گرفتن زمینه هایی که دانش آموز در آنها نیاز آموزشی دارد، تدوین کنند.

گروه IEP باید اطلاعات خاصی در مورد دانش آموز را مورد بحث قرار دهند، از جمله:

- توانایی های دانش آموز

- ایده های والدین در مورد ارتقای آموزش کودکان

- عملکرد کودک در آزمون های سراسری

گروه IEP همواره باید نیازهای کودک به خدمات و تجهیزات فناوری کمکی را مد نظر داشته باشد. مذاکره های گروه درباره این که کودک به چه چیزهایی نیاز دارد، باید در محور چگونگی کمک به او و در چهار چوب های زیر به عمل آید:

- پیشرفت به سمت نائل شدن به هدف های سالیانه

- شرکت کردن و پیشرفت در برنامه درسی عادی

- مشارکت در فعالیت های فوق برنامه و فعالیت های غیر آموزشی



بر مبنای بحث های بالا، گروه، IEP کودک را خواهد نوشت. این کار شامل خدمات و حمایت هایی است که مدرسه برای کودک فراهم می کند. اگر گروه IEP به نتیجه برسد که کودک به یک وسیله یا خدمت خاص (شامل مداخله، انطباق یا سایر تعدیل های برنامه) نیاز دارد باید آن را در IEP بنویسند. مثلاً کودکی که رفتار مزاحم یادگیری اوست، گروه باید شیوه های دقیق و مؤثری برای پرداختن به آن رفتار را مدنظر قرار دهد. گروه باید مداخله های رفتاری دقیق، راهبردها و حمایت هایی را که کودک به آن ها نیاز دارد تا یاد بگیرد چگونه رفتار خود را کنترل و اداره کند، مورد بررسی قرار دهد.

اگر تصمیم گروه مبتنی بر ارایه خدمات ویژه به کودک باشد، باید شرح کامل آن را در IEP بنویسد.

در IEP استنباط ها یکی هستند، واضح و روشن بیان شده است، جامع و قابل درک برای همه می باشد، وظایف همه مشخص است، حتماً باید توالی داشته باشد و واقع گرا است IEP. برای نوشتن یک سال (یک دوره) است. معلم ویژه مسئول گروه IEP است.

IEP برای انجام رسیدن به هدف ها و یک چیز مختصری است که دنیایی اطلاعات هم تشخیصی و هم درمانی در آن جای می گیرد.

گروه IEP :

مشاوران، تهیه کنندگان تکنولوژی های آموزشی و مهارتی، مدیران مدارس، متخصصین آموزش ویژه (معلم ویژه، والدین و مدیران مدارس) مهمترین اعضای IEP هستند.

چارچوب زمانی و پرسنلی :

برای هر یک از خدمات مورد نیاز دانش آموز، موارد ذیل بر اساس نیاز دانش آموز در نظر گرفته شوند:

-ساعات/روزانه: تعداد دقایق و ساعاتی که روزانه برای هر یک از خدمات ارایه شده به دانش آموز اختصاص داده شود.

-دفعات/هفتگی: تعداد دفعاتی که به طور هفتگی برای هر یک از خدمات ارایه شده به دانش آموز اختصاص داده می شود.

-زمان شروع و طول ارایه: ماه، روز و سالی را که قرار است ارایه خدمات شروع شود و همچنین ماه، روز و سالی را که پیش بینی می شود ارایه خدمات پایان می یابد باید ثبت شود.

اتخاذ تدابیری که به دانش آموز دارای معلولیت این امکان را می دهد که در مدارس عادی شرکت کنند، مستلزم آن است که هر دانش آموز مدرسه عادی که از آموزش و پرورش ویژه و خدمات مربوط به آن استفاده می کند باید یک برنامه آموزش فردی شده داشته باشد. این مسأله بدان معناست که برای هر دانش آموزی باید یک IEP سند قانونی در نظر گرفته شود. چنین به نظر می رسد که با تدوین چنین سندی فرصتی برای معلمان، والدین، اولیاء مدرسه، کارمندان خدمات مرتبط و دانش آموزان (در صورتی که مقتضی باشد) برای کار مشترک با یکدیگر به منظور بهبود اصلاح نتایج آموزشی هر کودک ایجاد می شود.



می توان گفت IEP پایه مهم آموزش و پرورش کودکان دارای ناتوانی است. برای تدوین یک IEP مؤثر، والدین، معلمان دیگر افراد مدرسه و در بیشتر موارد خود کودک باید متفقا به نیازهای منحصر به فرد دانش آموز نگاه دقیقی داشته باشند.

تبادل دانش و اطلاعات، تجربه افراد و تشریک مساعی آن ها برای طراحی و تدوین یک برنامه آموزشی است که امکان به توان رساندن و پیشرفت کودک در برنامه آموزش عادی را فراهم می کند. این مسأله بدان معناست که IEP در نحوه رساندن یا ارایه حمایت ها و خدمات آموزشی خاص برای هر دانش آموز دارای معلولیت، راهنمایی هایی را ارایه می دهد. شکی نیست که نوشتن و انجام یک IEP مؤثر و مفید نیازمند کار گروهی است.

طول مدت IEP :

در یک IEP می بایستی بیان شود که چه زمانی برنامه تأثیر خواهد گذاشت و انتظار می رود که در چه زمانی به مقاصد جزئی و اهداف اصلی خود دست یابد. معمولا زمان لازم برای IEP ممکن است یک سال تحصیلی (۹ ماه) یا یک سال تقویمی (۱۲ ماه) باشد IEP . ممکن است هنگام اجرا مورد تعویض، بازنگری یا بازنویسی کلی قرار بگیرد (با اطلاع و موافقت والدین). اما به طور کلی، برنامه های آموزش انفرادی می بایستی حداقل یک بار و در آخر سال مورد بازبینی قرار گرفته و با وضعیت کودک مطابقت داده شود.

IEP می بایستی به گونه ای طراحی شوند که در اجرا دارای انعطاف پذیری باشند. این مورد به طرق گوناگون قابل انجام است. مثلا روش های زیادی را می توان جهت آموزش مهارت های ویژه پیشنهاد کرده و معیار نیل به مقاصد جزئی را با آن تطبیق داد و مواردی را تهیه کرد که کودک بتواند کسب مهارت را به اشکال مختلف (نظیر کلامی، نوشتاری و دستکاری اشیا) نشان دهد.

اجرا IEP :

IEP می بایستی قبل از این که دانش آموز در برنامه آموزش ویژه قرار گیرد ایجاد شده و لازم است که حداکثر ظرف ۳۰ روز بعد از آن به مورد اجرا گذاشته شود. ضمنا ضروری است که طرح به وسیله والدین مورد تأکید قرار گیرد.

معلمین و سایر کارکنانی که خدمات جنبی را ارایه می کنند می باید IEP را بعد از شروع اولیه، ظرف ۶۰ روز مورد بازبینی قرار دهند. به علاوه لازم است آن ها به طور دوره ای IEP را بررسی کرده تا تعیین شود، چقدر به مقاصد جزئی دست پیدا کرده است؟ روش ها تا چه اندازه موفقیت آمیز بوده اند؟ و آیا IEP هنوز انعکاسی دقیق از برنامه ریزی منطقی برای دانش آموز می باشد یا خیر؟ اگر IEP در هر کدام از این زمینه ها دارای اشکال بود می بایست بلافاصله تغییر نماید. هرگونه تغییر در ماهیت و سطح خدمات تهیه شده بدون رضایت والدین امکان پذیر نیست. مواد اضافه شده به IEP و یا مواد درسی کاملا جدید می بایستی توسط هیأت انتخاب شود. دانش آموز نیز تا زمانی که تغییرات در برنامه تأیید نشده است باید از همان برنامه اولیه استفاده کند. لازم به ذکر است که ۶۰ روز پس از هر تغییر عمده ای در IEP برنامه مجددا مورد بازبینی قرار گیرد.

ملاحظات بر ایجاد و اجرای IEP :



- دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری، افرادی عادی با نیازهای ویژه هستند.
- دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری، نیاز به سازماندهی زیادی دارند.
- بسیاری از دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری، نیاز فراوانی به کنترل حواسپرتی ها دارند.
- بهترین نوع یادگیری در کودکان از طریق تجربه مستقیم می باشد.
- مهارت های منفرد آموخته شده اثراتی زودگذر دارند.
- آموزش تجربی چند حسی است.
- نکته ای در مورد کاهش بازگشت در برنامه ریزی ترمیمی.
- مهمترین موضوع در رابطه با کودک دارای ناتوانی یادگیری این است که وی چه احساسی نسبت به خود دارد.

نتیجه گیری:

اهداف آموزش انفرادی عبارت اند از:

- ۱ - رعایت تفاوت های فردی
- ۲ - رشد استقلال در عمل و یادگیری
- ۳ - عادت به مطالعه
- ۴ - ایجاد مهارت در مطالعه: رابینسون روش SQ ۳ را پیشنهاد کرده است
- ۵ - مطالعه خود هدایت شده و مستقل

براساس نظریه یادگیری تا حد تسلط، یادگیری و پیشرفت تحصیلی فراگیران به طور وسیعی با زمان یادگیری بستگی دارد. (کارول، ۱۹۶۳) به عقیده کارول شاخص اصلی استعداد تحصیلی شاگردان، زمان است. در یادگیری تا حد تسلط اگر روش تدریس مطلوب و عالی باشد، وقت کمتری نیاز خواهد بود و استعداد هر فرد در این روش نقش بسزایی دارد.

بلوم معتقد است مهارت یادگیری در حد تسلط روی مفهوم خود، شاگردان اثر می گذارد. شاگردان به ارزش و کفایت خود پی می برند و این روش، یکی از قویترین منابع سلامت روحی است. در این روش معلم سعی می کند روشهای آموزش خود را براساس تفاوت های فردی تنظیم کند.

اساس کار در تدریس خصوصی، توجه به زمینه ها، علایق و توانایی های شخصی شاگردان است. در این روش، معلم باید به یک مجموعه عوامل تقویت کننده مثبت مجهز باشد. هر شاگرد باید با خودش مقایسه شود. جلسات آموزش، باید به اندازه کافی کوتاه مدت باشد تا شاگرد از آموزش، خسته و بیزار یا متنفر نشود. محیط آموزشی باید راحت، همراه با تفریح و مناسب با من و وضعیت تحصیلی فرد سازماندهی شود.



آموزش برنامه ای یک نظام آموزش انفرادی است که کوشش می کند یادگیری را با نیازهای شاگردان، هماهنگ سازد. در این روش، مواد آموزشی به واحدهایی کوچک تقسیم می شود که چهارچوب یا گام نامیده می شود. این گام ها براساس دانش قبلی شاگرد و تنظیم شده است. هر گام دانش آموز را به هدف نهایی نزدیک می سازد. از نظر تنظیم مطالب، آموزش برنامه ای به دو صورت خطی یا شاخه ای عرضه می شود.

در آموزش برنامه ای خطی ، شاگرد باید تمامی گام ها را مطالعه کند و قدم به قدم پیش رود و برای درک مطلب ، شاگرد باید تمامی گامهای قبلی را با دقت مورد مطالعه قرار دهد. گامها باید کوتاه باشند. بازخورد بی درنگ داده شود.

در برنامه شاخه ای دانش آموز براساس توانایی خود این آموزش را دنبال می کند یعنی اگر بعد از هر گام به سؤال پاسخ صحیح بدهد به صورت خطی پیش می رود و در صورت دادن پاسخ غلط به گامهای جبرانی سوق داده می شود. که هدف از گامهای جبرانی، این است که شاگرد با دریافت مطالب اضافی، اشتباه خود را تصحیح کند و در آموزش برنامه ای شاخه ای ، همه دانش آموزان تمام قسمتهای برنامه را نمی خوانند. در این نوع آموزش نقش معلم، تهیه هدف های آموزش ، آشنایی با مواد و تجهیزات آموزشی، رسیدگی به فرد فرد شاگردان و ارزش یابی برنامه آموزش خواهد بود.

منابع:

- ۱- شیرینی امین لو، مرضیه. جزوه مباحثی در زمینه برنامه آموزش فردی شده.
- ۲- دوره ضمن خدمت کوتاه مدت برنامه آموزش فردی شده (IEP) ، از تاریخ ۸۶/۸/۵ تا ۸۶/۸/۹ ، تهران.
- ۳- حمید عباسی مدیر مرکز اختلالات یادگیری جوانرود